

[View the original article](#)

ایران

بستگان ترانه و رومینا رحیمی: طوری شکنجه شده بودند که مادرشان آن‌ها را نشناخت

فرشته قاضی

۱۷/ شهریور/ ۱۴۰۵



ترانه رحیمی (چپ) در پرونده «میدان شهدا» اصفهان به اعدام و رومینا به ۲۵ سال حبس محکوم شده است

بستگان ترانه و رومینا رحیمی در گفت‌وگو با رادیو فردا اتهامات منتسب به این دو خواهر دوقلو را رد کرده و گفتند که آن‌ها زیر شکنجه مجبور به اعترافات شده‌اند که هیچ نسبتی با آن‌ها ندارد.

مسعود نورمحمدی، پسرخاله ترانه و رومینا رحیمی، در گفت‌وگو با رادیو فردا گفت که هیچ مدرک و سندی در پرونده علیه ترانه و رومینا وجود ندارد و همه اتهامات واهی است.

ترانه و رومینا رحیمی دو تن از ۱۶ متهم پرونده «میدان شهدا» اصفهان هستند و در حال حاضر در زندان دولت‌آباد اصفهان محبوس‌اند. آن‌ها با اتهام‌هایی از جمله «محرابه، معاونت در محاربه، تخریب اموال

عمومی در حکم محاربه، اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام»، در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ روبرو هستند.

شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان، ترانه را به اعدام و رومینا را به ۲۵ سال زندان محکوم کرده است.



📌 لینک مستقیم ✓

➔ بازکردن در پنجره جدید

ممکن است ابتدا از وضعیت ترانه و رومینا در زندان بگویید؟ در حال حاضر در زندان در چه شرایطی به سر می‌برند؟

مسعود نورمحمدی: متأسفانه این بچه‌ها هم از لحاظ روحی، هم از لحاظ بدنی و جسمی، تحت فشارهای زیادی بودند و هستند. ترانه قبلاً، قبل از زندان، عمل جراحی روی پایش داشت و پیچ و پلاک کرده بود و در زندان به خاطر شکنجه‌های زیادی که شده وضعیت پایش خیلی بدتر شده. ما نمی‌دانیم پایش شکسته یا پیچ و پلاک‌ها جابه‌جا شده‌اند یا چه اتفاق دیگری افتاده. دکتر زندان دستور داده که باید ترانه را به صورت فوری به بیمارستان ببرند و شرایط معالجه فراهم شود اما مسئولان بهداری زندان از این کار جلوگیری می‌کنند و مرتب به ترانه می‌گویند تو قرار است اعدام شوی. چه با پای شکسته، علیل یا سالم، اعدام می‌شوی.

دیروز (یکشنبه ۱۵ شهریور) ترانه از زندان تماس گرفت گفت که دیگر امکان حرکت با پایش را ندارد. یک بچه ۲۰ ساله که باید الان روی اسبش سوار بود و می‌دوید، به این حالت رسیده که نمی‌تواند با پاهایش در زندان راه برود. از این سلول به آن سلول برود. از لحاظ روحی هم که به طور مداوم کسانی که در زندان هستند مثل این‌که وظیفه‌شان این شده که بچه‌ها را از لحاظ روحی شکنجه بدهند. نه تنها بازپرس‌ها و ماموران وزارت اطلاعات سپاه که به صورت بدنی این‌ها را شکنجه کردند، مسئولان زندان هم الان از لحاظ روحی این بچه‌ها را شکنجه می‌دهند. وضعیت روحی رومینا خیلی بد است. او هم تحت شکنجه بوده و تحمل زندان را دیگر ندارد. از لحاظ روحی این بچه‌ها را شکسته‌اند.

آقای نورمحمدی، ترانه و رومینا کی بازداشت شدند؟ آن‌طور که ما پیگیری کردیم در ارتباط با اعتراضات ۱۸ دی بازداشت شده‌اند ولی چه زمانی و به چه شکلی بازداشت شدند؟

بله این‌ها هم مثل میلیون‌ها ایرانی شجاع دیگر در آن دو شب (۱۸ و ۱۹ دی) بیرون بودند. رومینا کمی زودتر به خانه برگشت چون مشکل معده داشت و قبلاً عمل جراحی معده داشت. ولی خب ترانه در خیابان بود. یک هفته بعد از ۱۸ و ۱۹ دی، ترانه خانه دوستش بود که نزدیک صبح می‌ریزند توی خانه دوستش، دست و پای ترانه را می‌بندند خانه را می‌گردند. ماسک روی صورت‌شان بود و معلوم نبوده. هیچ اجازه دسترسی خانه را نداشتند...

در واقع حکمی نشان نداده‌اند.

بله حکمی نشان ندادند. دست و پای ترانه را بستند خانه را گشتند و تمام وسایل ترانه را بردند. از آن طرف وسط شب می‌ریزند خانه خاله‌ام و به همین شکل رومینا را می‌برند. حدس من این بوده که رومینا را بردند

تا به ترانه فشار بیاورند و بر اساس شکنجه‌ها علیه رومینا، ترانه را مجبور به اعتراف کنند. خب این‌ها دوقلو هستند و خیلی به همدیگر وابسته هستند. همیشه پیش همدیگر بودند.

اتهامات بسیار سنگینی هم به ترانه و هم به رومینا منتسب کردند و حکم اعدام و ۲۵ سال زندان، احکام بسیار سنگینی است. گفتید که ترانه و رومینا در خیابان حضور داشتند چرا آن‌ها را درگیر این پرونده کرده‌اند؟

سؤال خوبی است. ببینید من هم نمی‌دانم. هیچ کار جمهوری اسلامی بر اساس منطق و اصول و حتی بر اساس قانون خودشان نیست.

جمهوری اسلامی اصلاً شفافیت ندارد. به این‌ها اتهام زدند که کوکتل مولوتف داشتند. وکلا گفتند که توی این کوکتل مولوتف‌ها، روغن بوده. بنزین نبوده. قابل اشتعال نبوده و چیزی نبوده که باعث تخریب مالی و جانی و تهدید جانی باشد. یک پرونده دیگر هم در ارتباط با «میدان شهدا» است که دو نفر کشته شدند ابتدا توی پرونده گذاشته بودند و گفتند که این بچه‌ها آن دو نفر را کشته‌اند. ما می‌دانیم که ترانه حدود ۱۳۰ متر آن طرف‌تر بوده. اصلاً موقعی که آن دو نفر کشته شدند آنجا نبود. رومینا هم اصلاً آنجا نبود. رومینا را گرفتند به خاطر این‌که روی ترانه فشار بیاورند.

به وکیل اجازه دسترسی به پرونده ندادند. تازه بعد از این همه مدت، بعد از اعلام حکم، دیروز (یکشنبه) به وکیل اجازه داده شده که پرونده را بخواند. تا الان که وکیل پرونده را خوانده می‌گوید هیچ چیزی این پرونده نیست. اتهامات واهی هستند. چند ویدئو از ترانه بیرون است. شما به چشم‌های این دختر نگاه کنید. غیر از مهربانی هیچ چیزی نمی‌بینید. از چشم این دختر، از چشم این بچه، مهربانی می‌ریزد و در رفتارش همین‌طور. کافی است یک بار با او صحبت کنید یک بار او را ببینید اصلاً چنین چیزی امکان ندارد. این اتهامات واهی هستند و هیچ مدرکی هم علیه این بچه‌ها ندارند. هیچ مدرکی ارائه نشده و هیچ مدرکی نیست.

بیشتر در این باره:

گزارش ویژه؛ جزئیات روند محاکمه متهمان پرونده
«میدان شهدا» اصفهان



آقای نورمحمدی ابتدا اشاره کردید به شکنجه ترانه و رومینا. اطلاعاتی دارید از جزئیاتش؟ این‌که تحت چه شرایطی، از ترانه و رومینا اعترافات اجباری گرفتند؟

بله ترانه را زده‌اند. جوری که بعد از پنج ماه، وقتی خاله من، مادرشان رفته زندان بچه‌ها را ببیند آن‌ها را نشناخته. صورت‌ها همه کبود و باد کرده. بدن‌شان باد کرده. خاله من به موهایش عشق فراوان داشت. همیشه این بچه‌ها را طوری بزرگ کرده بود که با آزادی به موهایشان نگاه کنند. خاله من شوکه شده بود چون که مویی بر سر این بچه‌ها نمانده بود. آن‌ها را از این سلول به آن سلول، از این اتاق بازجویی به آن اتاق بازجویی، از موهایشان کشیده و برده بودند در حدی که تمام موهایشان کنده شده بود. به ترانه گفته بودند اگر اعتراف نکنی جلوی تو به خواهرت تجاوز می‌کنیم. ترانه هر شب تا صبح، صدا و جیغ‌های خواهرش زیر شکنجه را در سلولش می‌شنید. تمام بچه‌ها هر شب شکنجه می‌شدند حتی جلوی همدیگر شکنجه می‌شدند. ترانه را روی صندلی می‌نشاندند، می‌گفتند نگاه کن ببین ما چه جوری بقیه را شکنجه می‌کنیم تا اعتراف بکنی. خب این شرایط زندان بوده. هر کسی در این شرایط باشد می‌شکند. به او گفتند که اگر این برگه‌ای که ما به تو می‌دهیم را امضا نکنی و چیزهایی که می‌خواهیم را نگویی به خواهرت جلوی تو تجاوز می‌کنیم. هر کسی باشد می‌گوید من چنین چیزی برای خواهرم نمی‌خواهم. هر چه

بخواهیم امضا می‌کنم و هر چه بگویید می‌گویم به خاطر خواهرم و به خاطر این جوان‌ها که جلوی من هر روز دارید آن‌ها را می‌زنید.

درباره تعرض جنسی به ترانه در زندان چطور؟ آن‌طور که ما پیگیری کردیم وکلا شکایت کرده‌اند. شما اطلاعی دارید؟

مثل این‌که در زندان با وکیل صحبت کرده و به وکیل این حرف را زده‌اند. این را هم بگویم که تاکنون به وکیلی که ما برای پرونده گرفتیم اجازه نداده‌اند که ترانه را ببیند. هرچی بوده تماس تلفنی بوده. حضوری دیدار نداشتند. ولی خب این را احتمالاً به وکلا گفته‌اند و وکلا پیگیر این موضوع شده‌اند.

ممکن است کمی بیشتر از خود ترانه و رومینا به ما بگویید؟ می‌دانیم که دو خواهر دوقلو هستند که در زندان ۲۰ ساله شده‌اند. شغل‌شان چی بود؟ در مورد خودشان بیشتر به ما بگویید.

بله. ترانه یک ورزشکار بود. اسب سوار بود. کلاً عاشق مردم و عاشق انسان‌ها بود. مهربان بود. خیلی عاشق حیوانات بود. من جایی زندگی می‌کنم که همسایه‌ها اسب دارند. همیشه به من می‌گفت پسر خاله، فیس‌تایم کن من اسب‌ها را ببینم. نگاه می‌کردیم می‌گفت نژاد این اسب فلان است و خصوصیت‌اش بهمان است. رومینا واقعاً نشانه یک «نسل زد» ایرانی است. جسور، شجاع و بی‌پروا. کسی نیست که به او بگویند چکار بکند و چکار نکند. خیلی عاشق مد بود مخصوصاً کفش. خودش هم در کفش‌فروشی همان میدان شهدا کار می‌کرد. این دو بچه دل‌شان می‌خواست روی پای خودشان بایستند. از کوچکی شروع کردند به کار کردن و راه خودشان را پیدا کردند. ترانه راه خودش را پیدا کرد. عاشق اسب بود و ورزشکار شد. ترانه مدال‌های زیادی هم گرفته.

خاله من که اشک به چشمانش نمانده. همه ما را به مرز روانی بودن رسانده‌اند. خاله من حسابدار بود. از روزی که بچه‌ها را گرفتند نتوانسته سر کار برود. چون وضعیت روحی‌اش خوب نیست. ترانه و رومینا یک‌جورهایی در خانه ما بزرگ شدند. چون خاله من شاغل بود و مادرم پرستار بازنشسته بود. مادرم از بچه‌ها مراقبت می‌کرد. این بچه‌ها مثل خواهر من هستند.

الان حکمی که صادر شده حکم اعدام و ۲۵ سال زندان است. بعد از صدور این احکام آیا خانواده شما توانسته‌اند با ترانه و رومینا حرف بزنند؟ خود ترانه و رومینا در مورد این حکم حرفی زده‌اند؟

بله ترانه و رومینا از زندان زنگ می‌زنند و صحبت می‌کنند. از لحاظ روحی خیلی شکسته شده‌اند. گفتم که هر روز به آن‌ها در زندان توسط کارکنان زندان آزار روحی و روانی می‌رسد. گفتم که تا الان وکلا اجازه نداشتند که پرونده را ببینند. یعنی روز دادگاه به آن‌ها ۱۰ دقیقه وقت دادند که این پرونده قطور بیشتر از هزاران هزاران صفحه رو ببینند. وکلا باید پرونده را کامل بخوانند که بتوانند به حکم اعتراض کنند. چند روز است که در زندان اصفهان هستند و به آن‌ها اجازه داده شده که پرونده را بخوانند. در عین حال به خاطر شکنجه‌ها و به خاطر تعرض جنسی به بچه‌ها، شکایتی در جریان هست. متأسفانه مثل این‌که در پروسه دادگاه اصفهان، هنوز این شکایت جریان پیدا نکرده ولی خب شکایت‌شان را نوشته‌اند و داده‌اند. یعنی ما هم به حکم اعتراض می‌کنیم هم این شکایت باید پیگیری شود.

چیز دیگری است که بخواهید در مورد ترانه و رومینا به ما بگویید؟ هر چیزی که فکر می‌کنید لازم است و من نپرسیده‌ام.

من باید در مورد شرایط زندان، مخصوصاً زندان‌های اصفهان، دستگرد و دولت‌آباد بگویم. این بچه‌هایی که در زندان‌ها هستند خیلی شرایط بدی دارند. من هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم یک ایرانی بتواند با یک ایرانی دیگر چنین رفتارهایی داشته باشد. این بچه‌ها را وقتی جلوی همدیگر شکنجه می‌کنند وقتی از لحاظ روحی این قدر آن‌ها را می‌شکنند. وقتی که از کمترین امکانات از امکانات بهداشتی از آب خوردن از رسیدگی و دکتر

محروم می‌شوند خیلی شرایط دردناکی است. من خواهش می‌کنم که همه ایرانیان توجه‌شان به این زندان‌ها و شرایطی که این زندانیان در آن گرفتار هستند باشد.

فرشته قاضی



فرشته قاضی از سال ۱۳۹۹ به تحریریهٔ رادیوفردها پیوست. او که بیش از دو دهه سابقهٔ روزنامه‌نگاری در کارنامه خود دارد، در ایران به ویژه در حوزه سیاست داخلی، دولت و مجلس فعالیت می‌کرد. او پس از خروج از ایران، با وبسایت‌های روزآنلاین، یورونیوز و بی‌بی‌سی فارسی همکاری داشت که محصول این دوره، انجام گفت‌وگوها و نوشتن گزارش‌های اختصاصی در ارتباط با سیاست داخلی و حقوق بشر در ایران بوده است.

این مطلب بخشی از:

اعدام‌ها در ایران

گزارش‌های خبری

سیاسی

ایران